



سیر مطالعات بیزانسی

(بخش دوم)

نویسنده: جورج آستر آگارسکی
برگردان: ترکس زارعی

des Byzantinischen Reiches Vor den
جستار و ارائه مطلب تا به امروز چونان یک شاهکار به جای
مانده است. به هر حال نیومن دست اندرکار مطالعات ارزشمندی
در زمینه بیزانس بود اما متأسفانه خیلی زود بیزانس را به
خاطر پرداختن به تاریخ هنر رها کرد. اثر گلزر به نام
Abriss des byzantinischen Kaiser Geschichte
متأسفانه برابر با معیارهای علمی موجود در کار کرومنجر نبود
ولی به دلیل انجام چند کار ویژه از جمله Genesis der
byzantinischen them enverfassung می‌توان سهم به
سزائی در مطالعات بیزانسی برای وی در نظر گرفت. در مونیخ
جانشین کرومنجر آگوست هی زمبرگ^۵ بود. اگرچه کار اصلی
هی زمبرگ زبان شناسی بود اما هیچگاه پژوهش در تاریخ، به
ویژه تاریخ هنر را فراموش نکرد. وی کار پژوهش علمی بر
روی تاریخ بیزانس را با چاپ انتقادی دوباره از آثار نویسندگان
بیزانس و نگارش تعلیقات و توضیحات بر متون تازه بدست
آمده و نشر آنها گسترش بخشید. مطالعات بیزانسی در آلمان
و استرالیا از کارهای مورخان و زبان‌شناسان دوره‌های قرون
وسطی و عصر کلاسیک که به بیزانس نیز علاقمند بودند
همچون ال. ام. هارت من.^۶ اسپیک^۷ وای. شوارتز^۸؛
بهره مند گردید.

کار کا. ای. زاخاریاوی لینگن تال^۹ (۱۸۱۲-۹۴م)
بزرگترین مورخ قانون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اثر او
به نام^{۱۰} Jus Graecoromanum عمده ترین منابع قانون
بیزانس را در دسترس ما قرار داده است و اثر دیگرش به نام
Geschichte des griechisch-vomischen Rechtes
پایه‌های محکمی برای پژوهش در تاریخ قانون بیزانس
پی‌ریزی کرد.

کار بیزانس شناسی در روسیه با شروع پژوهش در زمینه
تاریخ باستان روسیه همزمان بود و ارنست کونیک^{۱۱} یکی از
شناخته‌ترین پیشگامان این راه بود. وی که یکی از اعضای
آکادمی علوم امپراتوری روسیه در سن پترزبورگ^{۱۲} بود
کارهای با ارزشی درباره دوره میانه تاریخ روسیه و منابع
بیزانسی مربوط به این دوره از تاریخ روسیه انجام داد و از اینرو
به مطالعات بیزانسی کمک ارزنده ای کرد. در کنار او باید از
ادوارد دومورال سوئسی^{۱۳} (۱۸۰۸-۹۵م) یاد نمود. با وجود
اینکه امروزه سالشمار وی به نام Essai de Chronographie
byzantine از رده خارج شده است ولی هنوز هم مورد استفاده
قرار می‌گیرد.

وی جی. واسیلی جوسکیچ^{۱۴} (۱۸۳۸-۹۹م) بنیانگذار
واقعی پژوهش‌های تاریخی بیزانسی در روسیه بود، که همزمان
با او ان پی. کنداکوف^{۱۵} (۱۸۲۵-۱۸۴۴م) نیز کار باستان
شناسی و پژوهش در تاریخ هنر بیزانس را آغاز کرد. ارزش
کارهای واسیلی جوسکیچ در مطالعات بیزانسی جاودانه است،
در واقع پایبندی به بهره‌گیری از منابع دست اول، انجام
عملیات نقادانه و داشتن هیچانی طبیعی برای انجام پژوهش
او را از سایرین برجسته‌تر نموده است. به راستی آگاهی از
تحقیقات وی در زمینه مناسبات موجود میان روسیه و بیزانس
و توجه اصلی او به ارتباط بیزانسی‌ها و پانزیناک‌ها^{۱۶} و فراتر
از این‌پیشگامی وی در مطالعه تاریخ داخلی امپراتوری بیزانس
حتی تا به امروز نیز ناگزیر می‌نماید. وی نشریه ادواری
«Vizantijskij vremennik» را در سال ۱۸۹۴م. پایه‌گذاری
کرد. پیش از این بیزانس شناسان روسی مجبور
بودند که به نشریه‌های ادواری دیگر از جمله

کارل کرومنجر^۱ (۱۸۵۶-۱۹۰۹م) نخستین کسی بود که
در آلمان در راستای شناخت بیزانس یک کار نظام‌مند را
پایه‌ریزی کرد. او در سال ۱۸۹۱م. اثر خود به نام
Geschichte der byzantinischen Literatur را به چاپ
رساند و شش سال پس از آن چاپ دوم این کار را منتشر نمود
و با افزودن اثری از آلبرت اوهارت^۲ در زمینه ادبیات دینی و
طرحی از تاریخ بیزانس اثر هنریش گلزر^۳ به کار خود گسترش
چشمگیری بخشید. از زمان احیاء مطالعات بیزانسی توسط
دوکانوژ تاکنون، کار کرومنجر بهترین نمونه نبوغ فکری و
تلاش‌های انجام گرفته در زمینه بیزانس شناسی است که
امروزه به یک مرجع ضروری و غیرقابل اجتناب برای بیزانس
شناسان تبدیل شده است. کرومنجر در سال ۱۸۹۲م. یک
نشریه ادواری تحقیقاتی به نام «Byzantinische Zeitschrift»
دایر کرد که به زودی مدبل به مرکز مطالعات بیزانسی دراروپای
غربی شد و فهرستی عالی را در اختیار بیزانس شناسان قرار داد
که از آن راه می‌توانستند با جدیدترین جستارهای پژوهشگران
معاصر خود در پیوند باشند. همزمان، راه‌اندازی سمیناری از
سوی کرومنجر به نام «Seminar Fur mittel - und
neugriechische Philologie» مونیخ را به مرکزی جهانی
جهت کار بر روی مطالعات بیزانسی تبدیل کرد. بدین ترتیب
این زبان شناس بزرگ از راه‌های گوناگون امکان پیشرفت
چشمگیر در مطالعات تاریخی بر روی بیزانس را فراهم آورد.

مطالعات تاریخی بیزانس در آلمان همزمان با به‌سررسیدن
قرن نوزدهم توسط کارل نیومن^۴ و هنریش گلزر دنبال شد.
اثر برانگیزنده نیومن به نام Kreuzzugen Die Weltstellung

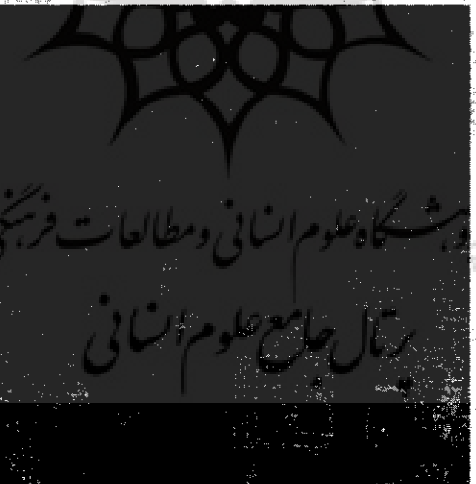
ای. واسیلی یف کاری اساسی در
زمینه «تاریخ روابط مسلمین با
بیزانس در قرون نهم و دهم
میلادی» طی سال‌های (۱۹۰۲ - ۱۹۰۰م)
در دو جلد منتشر ساخت.

همانگونه که روس‌ها بیشتر در
زمینه شناخت تاریخ زمینداری در
بیزانس مطالعه می‌کردند،
ج. بی. بوری (۱۹۲۷ - ۱۸۱۹ م) از
برجسته‌ترین بیزانس شناسان
انگلیس - نیز پژوهش‌های منظم
خود را بر شناخت تاریخ نظام
اداری بیزانس معطوف کرده بود.

«Zurnal Ministerstva Narodnog o Presrescenija» تکیه کنند. اما پس از این اقدام واسیلی جوسکیچ، آنهادیگر نشریه مختص به خود داشتند. بنابراین از این پس با نشریه «Vizantijskij vremennik» و نشریه «Byzantinische Zeitschrift» که از دو سال پیش منتشر می شد، توانستند خدمات شایانی به مطالعات بیزانسی عرضه نمایند. یکسال بعد اف. آی. اسپین اسکیک^{۱۷} بعنوان مدیر یک موسسه باستانشناسی روسیه به نام «Zvestija Russkogo Archologiceskogo Instituta VKonstantinople» که در کنستانتین پل^{۱۸} تاسیس شده بود، شروع به کار کرد. وی پس از واسیلی جوسکیچ بزرگترین نقش را در پیشبرد مطالعات بیزانسی در روسیه ایفا کرد. هرچند که او از دیدگاه جزئی نگرانه در امر پژوهش و شم نقادانه واسیلی جوسکیچ برخوردار نبود اما بطور قطع اثر بزرگ و محققانه او مطالعات تاریخی بیزانسی را تحت تاثیر خود قرار داد. علم و دانش او به اندازه ای بود که به همه مسائل مهم موجود در تاریخ بیزانس پرداخت و اولین فردی بود که به بسیاری از ابهامات بنیادی، توجه خاص مبذول داشت و آنها را مورد بررسی قرار داد. اسپین اسکیک نه تنها یکی از پرکارترین محققان روسی بود بلکه در میان بیزانس شناسان روسی یک پژوهشگر جامع الاطراف به حساب می آمد و در مقام مقایسه با واسیلی جوسکیچ اثر تاریخی جامع و ماندگاری به نام «Istorija Vizantijskoj Imperii (History of Byzantine Empire)» برجای گذاشت و با این کار خود یکی از جزئی نگرانه ترین تواریخ عمومی بیزانس را به سبک جدید ارائه کرد. جلد های متنوع این اثر به خاطر بروز مشکلات زمانه در فواصل زمانی طولانی تالیف شد مثلا جلد اول در سال ۱۹۱۳. قسمت اول از جلد دوم در سال ۱۹۲۷. جلد سوم آن در سال ۱۹۴۸. منتشر شد و هنوز هم تمامی بخش های این اثر به چاپ نرسیده است. (زمان نگارش کتاب).

در واقع می توان گفت که تلاش استثنایی بیزانس شناسان روسی از جمله: ای. آی. واسیلی یف^{۱۹}، بی. ای. پانچن کف^{۲۰}، پی. ای. یاکوون کف^{۲۱} و پی. وی. بزبرازف^{۲۲}؛ در پایان قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم از تحقیقات مهیج واسیلی جوسکیچ و اسپین اسکیک نشات گرفت. موضوع زمینداری بیزانس که واسیلی جوسکیچ و اسپین اسکیک به بررسی آن علاقه خاصی داشتند به مرور زمان تبدیل به موضوعی دلچسب برای تحقیق و تفحص گردید. در سال ۱۹۰۴، پانچن کف با کتاب خود درباره رعیت و مالک در بیزانس^{۲۳} نقطه نظرات پیشوایان بزرگ خود همچون زاخاریا یون لینگن تال^{۲۴}، واسیلی جوسکیچ و اسپین اسکیک را رد کرد و باب جدیدی در این زمینه گشود. علاوه بر او پژوهشگران دیگری همچون پی بزوبرازوف و بویژه پی. یاکوون کوف مانند پانچن کوف به بررسی مشکلات داخلی امپراتوری بیزانس پرداختند و همانند سلف خود واسیلی جوسکیچ دست به تحقیقات بازرشی بر روی مدارک اصلی زدند. ای. واسیلی یف کاری اساسی در زمینه تاریخ روابط مسلمانان با بیزانس در قرون نهم و دهم میلادی^{۲۵} طی سال های (۱۹۰۲-۱۹۰۰ م.) در دو جلد منتشر ساخت. همچنین ج. ای. کولا کوسکیچ^{۲۶} که به خاطر تخصص داشتن در دوره کلاسیک مطرح شده بود، تاریخ امپراتوری بیزانس طی سال های ۳۹۵ م. تا ۷۱۷ م. را به رشته تحریر درآورد و آن را به صورت اثری ساده و بی نهایت مفید و کامل در سه جلد طی سال های ۱۹۱۳-۱۵ م. ارائه کرد.

سرانجام دایر شدن نشریه ادواری «obozreme Vizantijske» در سال ۱۹۱۵ م. در کنار نشریه «Vizantijskij Vremennik» که از قبل منتشر می گردید بیانگر جنبش عظیم روس های برای شناخت هرچه بیشتر بیزانس بود. هرچند که این نشریه تا سال ۱۹۱۷ م. دست از فعالیت کشید و تنها سه جلد آن به چاپ رسید. از اواخر قرن نوزدهم به بعد، تحقیقات پیشرفته بیزانسی توسط ج. بی. بوری^{۲۷} (۱۹۲۷-۱۸۹۱ م.) در انگلیس به جریان افتاد. بی گمان بوری یکی از برجسته ترین بیزانس شناسانی بود که او را می توان در ردیف دانشمندان بزرگ و استثنایی قرار داد. وی در فهم حقایق و تجزیه و تحلیل نقادانه موضوعات و انضباط شخصی و سخت گیری در مباحثه از نوع سرشار برخوردار بود. وی یک سلسله مطالعات تخصصی و مهم و همچنین چندین اثر عمومی که دوره های طولانی از تاریخ بیزانس را پوشش می داد، برجای گذاشت. در سال ۱۸۸۹ م. اثر او به نام «History of the Later Roman Empire» در دو جلد منتشر شد که حوادث سال های ۳۹۵ تا ۸۰۰ م. را در برداشت. به دنبال آن در سال ۱۹۱۲ م. اثر با ارزش دیگر خود را به نام «History of the Eastern Roman Empire» منتشر کرد که تالیف آن از زمان تاجگذاری چارلز بزرگ^{۲۸} تا جلوس یاسیل اول مقدونیه^{۲۹} به طول انجامید. او در سال ۱۹۲۳ م. کار قبلی خود را با همان عنوان در یک دوره دو جلدی تجدید چاپ کرد با این تفاوت که این بار کار خود را در یک قالب گسترده تر عرضه نمود. بنابراین این طرح جدید تنها حوادث سال های ۳۹۵ م. تا مرگ ژوستینی نین اول^{۳۰} را پوشش می دهد. بوری در نقد اثر فیلدئوس^{۳۱} به نام «Cleorologion» در زمینه سیستم حکومت امپراتوری در قرون نهم، یک تفسیر



برای مدت های مدید، تاریخ یونان به تاریخ بیزانس وابسته بود، چرا که بیزانس از نظر محققان یونانی در حقیقت بخشی از تاریخ ملی یونان محسوب می شد.

در کشورهای بالکان نیز پژوهش های بیزانسی بخش جدایی ناپذیر تاریخ ملی آنان محسوب می شد که البته هر دو از این پیوستگی سود می بردند. پی. موتاف چیف^{۴۲} در بلغارستان دوشادوش مورخانی همچور، وی. زلاتارسکی^{۴۳} و پی. نیکوف^{۴۴} که در زمینه تاریخ قرون میانه بلغارستان کار می کردند به مطالعه تاریخ بیزانس پرداخت.

در یوگسلاوی علاوه بر اینکه فعالیت بیزانس شناسان همچون آناستاسی ژویکی^{۴۵} و اف. گرانیک^{۴۶} به رشد مطالعات بیزانسی منجر شد، پژوهش های انجام شده درباره تاریخ دوره میانه صربها و کرواتها به دست کسانی چون اس. تی. استائوژویکی^{۴۷} (۱۹۲۷-۱۸۷۴)، ج. ردونیک^{۴۸} (۱۹۵۶-۱۸۷۳)، ان. ردوژیسک^{۴۹} و اف. سی سیک^{۵۰} (۱۹۴۰-۱۹۳۰)

عالی و قابل توجهی ارائه کرد. همانگونه که روس ها بیشتر در زمینه شناخت تاریخ زمینداری در بیزانس مطالعه می کردند بوری نیز پژوهشهای منظم خود را بر شناخت تاریخ نظام اداری بیزانس معطوف کرده بود. فعالیت بوری به شکل موفقیت آمیزی با همکاری ارنست استین^{۳۲} و فرنزدالگر^{۳۳} توسعه یافت. اچ. باینز^{۳۴} جانشین با ارزش بوری در نرمن^{۳۵} بود که در زمینه تاریخ باستان بیزانس متبحر بود. ویلیام میلر^{۳۶} نیز در پژوهش های مهم خود، تاریخ امپراتوری بیزانس در اواخر قرون وسطی، به ویژه مناسبات آنها با لاتین های اطراف اژه را مورد توجه قرار داد.

برای مدت های مدید، تاریخ یونان به تاریخ بیزانس وابسته بود چرا که بیزانس از نظر محققان یونانی در حقیقت بخشی از تاریخ ملی یونان محسوب می شد. مپهن پرست افراطی به نام کا. پاپار هگوبولوس^{۳۸} در اثر خود به نام «Istoria tou Ellinikon e thvous apo tou archaio tou Vwtopwv» (Xpovwv mexpi tou Vwtopwv) به این موضوع توجه خاصی مبذول داشته است. اس. پی. لمپروس^{۳۹} طی سال های ۱۹۱۹-۱۸۱۵ م. از طریق کار روی نسخه های خطی و تصحیح مقالات فراوان به پیشرفت مطالعات بیزانسی کمک کرد. او همچنین اثری معروف در زمینه تاریخ یونان به نام «Istoria Tis Ellados met'elkovwv apo Twv archaio Twv Xpovwv mexpi Tis alwrews Tis KwoTawThvouralews» (۶ جلد) —لدان— ۱۸۸۶-۱۹۰۸ م. از خود به جای گذاشت که دوره باستان تا سال ۱۴۵۳ م. را در بر می گرفت. سپس ای. آندریدوس^{۴۰} (۱۹۲۵-۱۸۷۶ م.) همچون لمپروس از طریق تحقیق در تاریخ اقتصادی و مالی بیزانس و کسب نتایج مفید در این زمینه خدمات بزرگی ارائه کرد که نتایج این پژوهش ها در چندین مقاله تخصصی و همچنین در اثرش به نام «Istoria Tis Ellavnikis Dimocritis Olkovocias» (آئسن ۱۹۱۸) منعکس شده است. توجه خاص یونانی ها به مطالعات بیزانسی را در نشریات ادواری یونانی به ویژه نشریه «Δελτιον Eθvoloγicis Tis Neos Ellavncvncwv» (EITalpeias) که لمپروس به صورتی خستگی ناپذیر از سال ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۷ م. مسئولیت نشر و نگارش بیشتر مقالات آن را به عهده داشته است می توان مشاهده نمود. همچنین ان. بیز^{۴۱} نشریه ادواری به نام «Bv3avlis» که تنها برای مطالعات بیزانسی طراحی شده بود دایر کرد که فقط دو جلد آن طی سال های ۱۹۱۱-۱۹۰۹ م. منتشر گردید. با آغاز قرن جدید در بسیاری از کشورهای دیگر در زمینه مطالعات بیزانسی گام های بلندی برداشته شد. در ایتالیا نه تنها در تاریخ و زبان شناسی بلکه در زمینه تاریخ قانون نیز کارهای برجسته ای به انجام رسید. در کشورهای بالکان نیز پژوهش های بیزانسی بخش جدایی ناپذیر تاریخ ملی آنان محسوب می شد که البته هر دو از این پیوستگی سود می بردند. پی. موتاف چیف^{۴۲} در بلغارستان دوشادوش مورخانی همچور، وی. زلاتارسکی^{۴۳} و پی. نیکوف^{۴۴} که در زمینه تاریخ قرون میانه بلغارستان کار می کردند به مطالعه تاریخ بیزانس پرداخت.

در یوگسلاوی علاوه بر اینکه فعالیت بیزانس شناسان همچون آناستاسی ژویکی^{۴۵} و اف. گرانیک^{۴۶} به رشد مطالعات بیزانسی منجر شد، پژوهش های انجام شده درباره تاریخ دوره میانه صربها و کرواتها به دست کسانی چون اس. تی. استائوژویکی^{۴۷} (۱۹۲۷-۱۸۷۴)، ج. ردونیک^{۴۸} (۱۹۵۶-۱۸۷۳)، ان. ردوژیسک^{۴۹} و اف. سی سیک^{۵۰} (۱۹۴۰-۱۹۳۰)

مطالعات بیزانسی به یک نوع همکاری در مقیاس بین الملل نیازمند بود ولی دستیابی به این امر در طول جنگ جهانی ناممکن می نمود، اما به ندرت و با تلاش و کوشش بسیار دوباره سر رشته امور نمایان شد و پیشرفت ادامه یافت به طوری که در فاصله زمانی بین دو جنگ جهانی گام هایی به جلو برداشته شد و دامنه پژوهش و تصحیح متون گسترش یافت

(۱۸۶۹) نیز به مطالعات بیزانسی کمک شایانی کرد. پیش از جنگ جهانی اول در رومانی مطالعات بیزانسی در نوسان کامل بود اما در این اثنا، فعالیت آن جرجا ۵۱ چشمگیر می نماید از این رو آثار برجسته اش در زمینه تاریخ بیزانس و تاریخ رومانی و تاریخ ادبیات رومانی همانند تاریخ جهان و عثمانی وی، شایان تقدیر و ستایش است. مطالعات بیزانسی به یک نوع همکاری در مقیاس بین الملل نیازمند بود ولی دستیابی به این امر در طول دو جنگ جهانی ناممکن می نمود. اما به ندرت و با تلاش و کوشش بسیار دوباره سر رشته امور نمایان شد و پیشرفت ادامه یافت به طوری که در فاصله زمانی بین دو جنگ جهانی گام هایی به جلو برداشته شد و دامنه پژوهش و تصحیح متون گسترش یافت. افزایش کنگره های بین المللی بیزانس شناسی و پی ریزی نشریات جدید تخصصی و احساس ضرورت تشکیل مراکز جدید مطالعاتی در زمینه شناخت بیزانس همگی نمایانگر این پیشرفت بودند.

پیش از سال ۱۹۱۴م. بیزانس شناسان تنها دومجله مختص به خود به نامهای «Byzantinische Zeitschrift» و «Vizantijskij vremennik» داشتند اما انتشار یک سلسله از نشریات جدید ادواری پس از جنگ جهانی اول نشانگر پیشرفت های حاصل شده در این زمینه بود. نشریه ادواری «Byzantion» در سال ۱۹۲۵م. شروع به کار کرد و با راهنمایی و نظارت هنری گری گوری ۵۲ کار بزرگی را به انجام رسانید، از اینرو به زودی بروسلز ۵۳ به پاس اقدامات چشمگیر نشریه «Byzantion» و تلاش حیرت آور سردبیر آن تبدیل به یکی از مهمترین مراکز مطالعات بیزانسی در جهان گردید. همچنین نشریه ادواری دیگری به نام «Annuaire de L'Institut de Philologie et d'histoire Orientales et Slaves» در بروسلز از سال ۱۹۳۲م. به بعد منتشر گردید که برای پیشبرد مطالعات بیزانسی از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. آن نیز نشریه ادواری مهم دیگری را به نام «Byzantinisch-Neugriechische Jahrbücher» پی ریزی کرد که اولین جلد آن در برلین، در سال ۱۹۲۰م. به چاپ رسید اما این نشریه که از ۱۹۲۶م. به بعد در آن منتشر شده بود بتدریج در اواخر جنگ دوم جهانی دچار

وقفه گردید. (در ۱۹۶۰م. یک شماره از آن به عنوان ضمیمه شماره ۱۸ که در سال های ۴۹-۱۹۴۵ به چاپ رسیده بود منتشر گردید.) و بالاخره فراتر از آن این که فعالیت یونانی ها در زمینه بیزانس شناسی پس از ۱۹۲۴م. در نشریات «Etyapis 'Ethalpeias Bu3avTfww Σποδων» و «Etltpuka» که در سال ۱۹۲۸م. پی ریزی گردید نمایان شد. نشریه «Studi Bizantinie Neoellenici» در سال ۱۹۲۴م. توسط اس. جی. مرکاتی ۵۴ در روم پایه ریزی شد اما در فواصل نامنظمی منتشر می گردید. نشریه «Byzantinosalavica» در سال ۱۹۲۹م. در پراگ ۵۵ پی ریزی شد که فعالیتش در طول جنگ ناچار به رکود گرایید اما دوباره تحت سردبیری ام. پائولوا ۵۶، بی. هاورانک ۵۷ و ان. ال. آکاتف ۵۸ رونق گرفت و هدف اصلی آن به شکل قابل توجهی گسترش یافت. به زودی زمینه محدود مطالعاتی این نشریه از انحصار موضوع روابط «بیزانس و اسلاو» خارج شد و به صورت یک نشریه مهم برای پی گیری تمامی موضوعات مربوط به بیزانس درآمد. از سوی دیگر «Seminarium Kondakovianum» که در سال ۱۹۲۶م. تاسیس شده بود انتشارات خود را پس از یک دوره تلاش پرثمر و متنوع، متوقف کرد. این نشریه به موسسه معروف کنداکوف ۵۹ که یک مرکز مهم مطالعات بیزانسی و باستان شناسی به حساب می آمد، وابسته بود. این مرکز ابتدا در پراگ پایه ریزی شد و سپس از سال ۱۹۳۸م. در بلگراد فعالیت کرد تا اینکه در سال ۱۹۴۱م. بر اثر یک حمله هوایی و از دست رفتن دو تن از وفادارترین همکاران آن از کار باز ایستاد.

موسسه «Learned Order of Assumptionists» مرکز استوار، مجرب و مهم دیگری برای پژوهش های بیزانسی بود. این موسسه ابتدا در کادی کویی ۶۰ بنیان نهاده شده بود سپس در بخارست ۶۱ و در حال حاضر در پاریس، جایی که سیل عظیم مطالعات در آن جاری است، مستقر شده است. نشریه ادواری این موسسه «Echos d'Orient» نام داشت که در واقع در سال ۱۸۹۷م. به عنوان یک موسسه تاریخی، جغرافیایی و ادبی تحت عنوان «Revue trimestrielle d'histoire, de geographie et de liturgie Orientales» بوجود آمده بود ولی از این زمان به بعد اساس فعالیتش را بر مطالعات بیزانسی متمرکز کرد، به طوری که منعکس کننده علاقه روزافزونی که به این رشته ایجاد شده بود، گردید. این نشریه در سال ۱۹۴۳م. به «Etudes byzantines» مبدل شد و از سال ۱۹۴۶م. به «Revue des Etudes byzantines» تغییر نام یافت. بدین ترتیب مطالعات بیزانسی توسط یک مجله جدید تخصصی و بسیار مفید تقویت شد. یک نشریه ادواری جدید به نام «Byzantina Metabyzantina» نیز در آمریکا پایه ریزی شد. اما تنها یک جلد دو بخشی از این نشریه طی سال های ۴۹-۱۹۴۶م. منتشر گردید. د. واینی مور ۶۲ آمریکایی، یک موسسه بیزانس شناسی را در پاریس تاسیس کرد که از سال ۱۹۴۶م. با بولتن «Bulletin of the Byzantine Institute» که در زمینه باستان شناسی، تاریخ و هنر کار می کرد، در ارتباط بود. همچنین تاسیس مرکز پژوهشی به نام «Dumbarton Oaks Research Center» در آمریکا مهمترین اقدامی بود که از طریق آن امکان فعالیت در زمینه باستان شناسی هنر و تمدن بیزانس فراهم گردید. این مرکز از سال ۱۹۴۱م. به بعد به چاپ «Dumbarton Oak Paper»

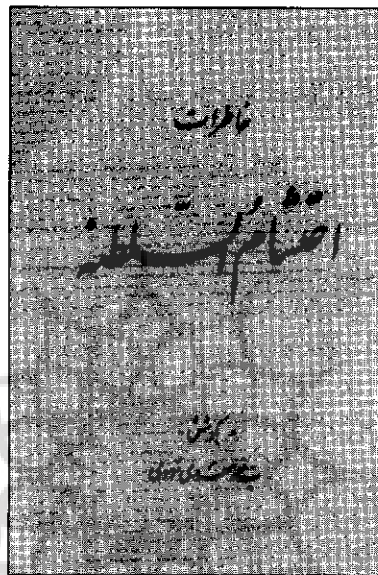
پرداخت و از سال ۱۹۵۰ نیز «Dumbarton Oaks Studies» را منتشر کرد. در شیرن ۶۳ نیز مرکز دیگری که کار عمده اش مطالعات دینی و کلیسایی بود، شکل گرفت که هم اکنون از سوی شعبه تاسیس شده در اتال ۶۴ حمایت می شود. بعد از جنگ جهانی دوم در وین انجمنی برای مطالعات بیزانسی بوجود آمد که انتشار «Jahrbucher der Osterreichischen Byzantinischen Gesellschaft» پس از ۱۹۵۱م. نشانگر فعالیت این انجمن است. موسسه بیزانس شناسی آکادمی علوم صرب (Serbian Academy of Sciences) در بلگراد نیز یکی دیگر از بنیادهای جدیدی است که موجب گسترش و پیشبرد مطالعات در زمینه روابط بیزانس با اسلاوها شده است. از این رو اولین جلد از انتشارات سالانه این موسسه در سال ۱۹۵۲م. بیرون آمد. همچنین یکی از قابل توجه ترین مراکز مطالعاتی بیزانس و یونان جدید توسط موسسه سیسیل به سرپرستی برنولاواگینی ۶۵ در پارمو ۶۶ تاسیس شد و یک موسسه یونانی به سرپرستی سوفیا آتونینز ۶۷ در ونیز به انجام مطالعات

پی نوشت ها:

- * این کار ادامه مقاله ای است که در شماره پیشین به چاپ رسید و برگردان فرازهایی است از کتاب: نوشته: «History of the Byzantine State» George Ostrog
 ۱. Karl Krumbacherorsky
 ۲. Albert Ehrhard
 ۳. Heinrich Gelzer
 ۴. Karl Neumann
 ۵. August Heisenberg
 ۶. L. M. Hartmann
 ۷. O. Seek
 ۸. E. Schwarz
 ۹. K. E. Zacharia Von Lingenthal
 ۱۰. هفت جلد، لایپزیک. ۸۴. ۱۸۵۶ م.
 ۱۱. Silesian Ernst Kunick
 ۱۲. Imperial Russian Academy of Sciences in St. Petersburg
 ۱۳. Eduard de Muralt
 ۱۴. V. G. Vasiljevskij
 ۱۵. N. P. Kondakov
 ۱۶. The Patzinaks
 ۱۷. F. I. Uspenskij
 ۱۸. Constantinople
 ۱۹. A. A. Vasiliev
 ۲۰. B. A. Pancenko
 ۲۱. P. A. Jakovenko
 ۲۲. P. V. Bezobrazov
 ۲۳. Peasant- holdings in Byzantium
 ۲۴. Zacharia Von Lingenthal
 ۲۵. History of Byzantine and Muslim relations in the ninth and tenth Centuries (در دو جلد، طی سال های ۲- ۱۹۰۰ م)
 ۲۶. J. A. Kulakovskij
 ۲۷. J. B. Bury
 ۲۸. Charles the Great
 ۲۹. Macedonian Basil
 ۳۰. Justinian I
 ۳۱. Philotheus

نگاهی به کتاب خاطرات احتشام السلطنه

● تهماسب طالبی



■ خاطرات احتشام السلطنه
■ تألیف: میرزا محمودخان علامیر «احتشام السلطنه»
■ به کوشش سیدمحمد مهدی موسوی
■ ناشر: انتشارات زوار، تهران، ۱۳۶۷، چاپ دوم

میرزا محمودخان علامیر مشهور به احتشام السلطنه فرزند محمدرحیم خان قاجاردولو به تاریخ ۶ شعبان ۱۲۷۹ هـ. ق در تهران چشم به جهان گشود. در سن ۶ سالگی مادر را از دست داد و از همین زمان تحصیل در دارالفنون را آغاز نمود. وی در سال ۱۲۹۶ هـ. ق با دختر حاجی رحیم خان خازن الملک ازدواج نمود. در سال ۱۲۹۷ هـ. ق فرمانده شصت نفر از غلامان نقاره خانه قزوین شد و با حقوق سالیانه ۶۰۰ تومان شروع به کار نمود. در اوایل سال ۱۳۰۶ هـ. ق از سوی ناصرالدین شاه قاجار لقب احتشام السلطنه را دریافت نمود و به عنوان حاکم خمس (زنجان) گمارده شد. در سال ۱۳۱۰ هـ. ق به تهران احضار شد و تا سال ۱۳۱۲ هـ. ق به دور از فعالیت‌های دولتی به سر برده و در همان سال از سوی ناصرالدین شاه جزو هیاتی که برای تبریک سلطنت نیکلای دوم به روسیه می رفتند عازم سن پترزبورگ گردید و پس از مراجعت، همان سال به عنوان کنسول بغداد انتخاب شد. در سال ۱۳۱۴ هـ. ق با اصرار زیاد وارد خدمت وزارت امور خارجه شد در شوال ۱۳۱۶ هـ. ق به عنوان والی کردستان روانه آن منطقه گردید و توانست اوضاع نابسامان آنجا را سر و

بیزانسی و فرایبیزانسی پرداخت. مرکز مطالعات بیزانسی دیگری نیز در آتن به سرپرستی زکی تینوس ۶۸ مشغول به کار شد که برای اطلاع از گستردگی دامنه فعالیت‌ها و طرح‌های امیدبخش این موسسه می‌توانید به گزارش زکی تینوس تحت عنوان «Report of the Byzantine Research Center» مراجعه کنید.

پیشرفت کلانی که در این شاخه نسبت جوان ازدانش وجود آمده بود را می‌توان از میزان افزایش مراکز پژوهشی و نشریه‌های ادواری که به مطالعات بیزانسی اختصاص یافته بودند درک نمود. حتی این موارد هم نمی‌تواند به درستی از وجود علایق روزافزون نسبت به بیزانس شناسی تصویر کاملی ارائه دهند زیرا جز اینها نیز امروزه شمار زیادی از نشریات ادواری هستند که حوزه کاری آنها به موضوع بیزانس نزدیک است و بیش از پیش تلاش می‌کنند موضوع مطالعات بیزانسی را به سایر زمینه‌های کاری خود بیفزایند.
ادامه دارد...

- ۲۲. Erneststein
- ۲۳. Franz Dolger
- ۲۴. H. Baynes
- ۲۵. Norman
- ۲۶. William Miller
- ۲۷. Aegean
- ۲۸. K. Paparrhegopoulos
- ۲۹. SP. Lamperes
- ۴۰. A. Andreadis
- ۴۱. N. Bees
- ۴۲. P. Mutafciev
- ۴۳. V. Zlatarski
- ۴۴. P. Nikov
- ۴۵. D. Anastasijevic
- ۴۶. F. Granic
- ۴۷. St. Stanojevic
- ۴۸. J. Radonic
- ۴۹. N. Radojic
- ۵۰. F. Sisic
- ۵۱. N. Jorga
- ۵۲. Henri Gregoire
- ۵۳. Brussels
- ۵۴. S. G. Mercati
- ۵۵. Prague
- ۵۶. M. Paulova
- ۵۷. B. Havranek
- ۵۸. N. L. Okunev
- ۵۹. Kondakov Institute
- ۶۰. Kadikoi
- ۶۱. Bucharest
- ۶۲. Th. Whittemore
- ۶۳. Scheyern
- ۶۴. Ettal
- ۶۵. Bruno Lavagnini
- ۶۶. Palermo
- ۶۷. Sophia Antoniadis
- ۶۸. D. Zakythinis